

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال پنجم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

### معرفی نسخه خطی لطایف الاسماء<sup>۱</sup>

بی‌بی معظمه حیدری<sup>۲</sup>

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور یزد

دکتر سید محمدباقر کمال‌الدینی عزآبادی<sup>۳</sup>

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور یزد

سید عباس طباطبایی<sup>۴</sup>

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه یزد

#### چکیده

ادبیات غنی و پربرابر ایران زمین همچون درخت تنومندی است که برگ برگ آثار به‌جامانده‌اش از دوران گذشته تا به حال، سندی است بر فرهنگ عمیق مردمان این سرزمین. در این میان، اهمیت حفظ و حراست از نسخه‌های خطی بر کسی پوشیده نیست و احیا و بازسازی این آثار، ارزش و جایگاه پنهان آن‌ها را آشکار می‌سازد. یکی از این میراث ارزشمند، نسخه خطی لطایف الاسماء است که در کتابخانه وزیر یزد نگهداری می‌شود. لطایف الاسماء نمونه نثر مسجع و منشیانه دوره تیموری است که شامل مجموعه‌ای از خطب، فرامین، نشان‌ها و مکتوبات، احکام و مسائل متفرقه است. این نسخه که تاکنون

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۰

۱ تاریخ وصول: ۹۸/۹/۱۶

<sup>۲</sup> m.heydari232@gmail.com

<sup>۳</sup> kamaladdini@yahoo.com

<sup>۴</sup> s.a.tabatabaei46@gmail.com

تصحیح و چاپ نشده، ۸۹ برگ دارد که با خط نسخ تحریر شده و آغاز و انجام آن افتادگی دارد. فایل دیجیتال این اثر ارزشمند، در کتابخانه آستان قدس رضوی نیز نگهداری می‌شود. این مقاله با شیوه توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و کتب مرجع در زمینه نسخ خطی به انجام رسیده است تا این اثر پربار برای علاقه‌مندان به نثر فارسی، به‌ویژه نثر منشیانه معرفی شود و با توجه به مضامین آن، تا حدی گوشه‌هایی از اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران تیموری را آشکار سازد. در متن اثر، هیچ نامی از مؤلف و یا کاتب نسخه وجود ندارد، اما در فهرست نسخه‌های خطی ایران و همچنین فهرست کتابخانه وزیر، نام مؤلف کتاب عبدالجلیل محمد بحرآبادی ذکر شده است.

## واژه‌های کلیدی

تصحیح، نسخه خطی، لطایف الاسماء، محمد بحرآبادی، خطبه.

### ۱. مقدمه

ادبیات هر کشور، نشان‌دهنده فرهنگ و تاریخ فرهنگی آن کشور است؛ بنابراین، مطالعات ادبی و فعالیت‌های فرهنگی ذیل محور ادبیات از اهمیت خاصی برخوردار است. در تعریف ادبیات نوشته‌اند: «ادب یا ادبیات عبارت است از آن‌گونه سخنانی که از حد سخنان عادی، برتر و والاتر بوده است و مردم، آن سخنان را در میان خود، ضبط و نقل کرده‌اند و از خواندن و شنیدن آن‌ها دگرگون گشته و احساس غم، شادی یا لذت کرده‌اند» (زرین‌کوب، ۱۳۷۴: ۲۵). با توجه به این تعریف، تاریخ ادبیات هر کشور، در واقع تاریخچه‌ای است از احساسات و غم‌ها و شادی‌های آن ملت، حول محور سخنانی خاص که در آن حوادث اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تبلور یافته است.

نسخه‌های خطی بخشی از تاریخچه غنی فرهنگ کشور محسوب شده و بسیاری از آن‌ها

در واقع بخشی از دنیای ادبی این سرزمین است که توسط محققان و پژوهشگران، تصحیح شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. «امروزه اهمیت نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها بر کسی پوشیده نیست، چون فهرست نسخه‌های خطی، محققان را با کتاب‌ها، علوم و تجربیات پیشینیان آشنا می‌سازد» (امینی، ۱۳۹۲: ۱).

«نسخه‌های خطی حلقه اتصال گذشته و آینده است و میراث گران‌قدر فرهنگ و تمدن اسلامی. این اسناد به ظاهر خاموش، به صد زبان واگویی گذشته است و از فرهنگ و اندیشه دیروز سخن می‌گوید. در اهمیت نسخه‌های خطی همین بس که گاهی نه یک نسخه از کتاب، بلکه برگ برگ آن سند است و در موزه نگهداری می‌شود» (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۱).

«غرض دانش و فن تصحیح متون به دست دادن متنی هرچه نزدیک‌تر به متن اصلی است که از زیر قلم نویسنده‌ای خارج شده یا از بیان شاعر یا گوینده‌ای تراوش یافته و امروز مورد پژوهش ماست» (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۳۱).

#### ۱-۱. پیشینه تحقیق

نسخه خطی *لطایف الاسماء* تاکنون تصحیح و چاپ نشده است.

#### ۲. مشخصات ظاهری نسخه

چند برگ از اول و چندین برگ از آخر نسخه افتاده است. اولین صفحه نسخه به خط نستعلیق نوشته شده و بقیه به خط نسخ است که اکثراً بسیار دقیق و خوانا و گاهی کم‌دقت و ناخوانا تحریر شده است. آیات، احادیث، روایات، اخبار و اقوال و همچنین عنوان هر بخش، با جوهر قرمز و بقیه با جوهر سیاه تحریر شده است. هر جا که در متن به مصرعی اشاره می‌کند، قبل از نوشتن مصرع حرف «ع» نوشته شده و اگر بیت یا بیت‌هایی به‌عنوان شاهد ذکر شده، قبل از آن‌ها بسته به نوع شعر، کلمات «بیت»، «نظم»، «مثنوی»، «مطلع» و یا «رباعی» با جوهر قرمز نوشته شده است.

در حاشیه برخی از صفحات نسخه نیز کلمه یا جملاتی نوشته شده است. گاهی کاتب،

کلمه یا جمله‌ای را که از متن جا انداخته است، در حاشیه، کنار سطری که کلمه یا جمله در آن قرار دارد نوشته و جای آن را نیز در بین کلمات با علامت خاصی مشخص کرده است تا معلوم شود که کلمه یا جمله جافتاده کجا باید قرار گیرد. در چند مورد هم، معنی یک کلمه از یک سطر را کنار همان سطر، در حاشیه نوشته است. مثلاً در صفحه ۲۲ کلمه «استهجان» را «ناخوش شمردن» معنی کرده و این کلمه را در حاشیه سطر نوشته است. در حاشیه صفحه ۳۸ نیز کلمه «ذو بحرین» نوشته شده که مربوط به دو بیت از یک مثنوی است که در خلال متن آن صفحه آمده است. در بعضی موارد هم، کلمه ناخوانایی از متن را دوباره در حاشیه نوشته است به صورتی که بهتر خوانده شود. در یک مورد هم عنوان نامه را جا انداخته و یک مورد هم عنوان نامه را اشتباه نوشته که آن دو عنوان را در حاشیه آورده است. چند مورد نیز جملاتی در حاشیه نوشته شده که به نظر می‌رسد ربطی به محتوای نسخه ندارد و شخصی غیر از کاتب نسخه آن را نوشته است.

نسخه لطایف الاسماء شامل خطب، مکتوبات، امضاء، نشان، احکام، فرامین و مسائل متفرقه دیگر است که مؤلف آن‌ها را جمع‌آوری کرده است. درباره خطبه نوشته‌اند: «مقدمه که گاه نیز از آن به خطبه تعبیر می‌گشت و آن عبارت بود از معانی و مضامینی که به تناسب موضوع منشور به روش براعت استهلال چنان که بتوان به گونه‌ای کنایه‌وار نه آشکار از مقدمه به متن پی برد، انشا می‌شد» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۳۶۶).

بخش اول نسخه شامل دو قسمت است که مؤلف، هر قسمت را مصراع نام نهاده است و مصراع اول شامل مجموعه خطبه‌هاست.

مصراع اول: در خطبهای عرایس خطبها و ما یخاطب بمناسبتها (ص ۱). این بخش شامل ۳۵ خطبه است که ۱۰ خطبه آن به زبان عربی و بقیه به زبان فارسی است. موضوع خطبه‌ها متنوع است.

مصراع دوم: آنچه بر ظهر کتب نوشته و کتابها (ص ۴۵). شامل ۲۶ قسمت است که ۱۰

قسمت آن به زبان عربی است و یک قسمت هم در قالب نظم و بقیه هم به زبان فارسی است. پس از پایان بخش اول که شامل دو مصراع بود، مؤلف وارد بخش جدیدی می‌شود و چنین توضیح می‌دهد: «هو الذی انشاء الاشياء بحسن الانشاء بعد حمد و ثناء حضرت پادشاهی که منشیان دیوان جفّ القلم بما هو کائن الی یوم الدین بی طغرای اسماء او نشان نویسند و پس از صلوة و دعاء صاحب انتباهی که کاتبان مناشیر و ما ارسناک الی رحمة للعالمین بی انشاء پروانچه انهاء او کتابت نماید نموده می‌آید که افراد طوایف امم و اصناف ترک و عرب و عجم را بمالکان ممالک خسروی احتیاج تمام است بلکه بی‌نشان عاطفت ایشان مهمات خلایق ناتمام و اگرچه مرتبت این صحایف را حد و عد امثله بی‌مثالی که آن حضرت بقلم بلاغت رقم درآورده‌اند معلوم نیست اما ایراد بعضی از آن‌ها را که بشرف مطالعه آن استسعاد یافت برین ترتیب بصوب ترتیب آن شتافت که:

فقره اولی: آنچه به فرمان سلاطین زمان انشا یافته مرتب از دو ترکیب و سجعی.

ترکیب اول: نوشته پادشاهان اسلام از روی تعظیم و احترام منقسم به پنج کلمه:

کلمه اولی: مکاتیبی از زمان خسروان صاحب قران بامثال و اقران با اشراف و اعیان

ممالک جهان ترتیب نموده.

تنبیه: پویشده نماند که نشانهای حضرات سلطانی سلیمان مکانی خلدالله ملکه را مجرد آنکه نشان همایون یا فرمان عالی و امثال این مقال که نوشته شود اهل طبع سلیم را معلوم خواهد بود. لیکن نوشته پادشاهان سابق یا شاهزادهای لاحق را باسم ایشان اشارت می‌باید نمود و ایضاً هر باب که بانشاء بعضی مناسبات از هر باب به آن لایق افتاده مخفی نیست که بعضی از همه منسوبات آن را بکلک ایجاز ترتیب داده» (ص ۶۲).

با توجه به توضیحات فوق مشخص است که ادامه نسخه به دو بخش تقسیم شده که مؤلف از آن دو بخش به نام دو ترکیب یاد کرده است. سپس ترکیب اول را به پنج بخش تقسیم می‌کند و هر کدام را یک کلمه می‌نامد.

کلمه اولی: مکاتیبی از زمان خسروان صاحب قران بامثال و اقران با اشراف و اعیان

ممالک جهان ترتیب نموده (ص ۶۲). شامل ۲۴ فرمان است که چهار فرمان آن به زبان عربی و بقیه به زبان فارسی است.

کلمه ثانیه: امثله که بینه عادلۀ قضاة شریعت سماة و درة التاج محتسبان دارالسلطنۀ هراة و منسوباتست انشا فرمود (ص ۹۰). شامل ۱۵ قسمت و همگی به زبان فارسی است.

کلمه ثالثه: مدرسان مدارس و شیخان خوانق را بکتابت آن ستوده (ص ۱۱۲). شامل ۱۹ قسمت و همگی به زبان فارسی است.

کلمه رابعه: نشانهایی که جهت انشراح صدور صدرنشین و راهنمای راه روان قبلۀ ارباب دین و کعبۀ اصحاب در سلوک طریق انشاء آن راه پیموده (ص ۱۳۴). شامل ۱۵ قسمت به زبان فارسی است.

کلمه خامسه: تولیت متولیان و معافیات اعظام خراسان و ضمایم و سیورغالات که ارباب عمایم را سند بوده (ص ۱۵۲). شامل ۱۲ قسمت به زبان فارسی است.

ترکیب دوم: احکام دولت انجام در ممالک محروسه جهت احکام و استحکام منقسم به سه کلمه (ص ۱۶۷).

کلمه اولی: فرامین سلطنت آیین که جهت ایالت و حکومت شاهزادها و امرا و رؤسا باطراف و اکناف عالم منتشر ساخته (ص ۱۶۷). از این قسمت فقط یک فرمان وجود دارد که کامل نیست و بقیه متأسفانه مفقود شده است.

صفحه اول نسخه به خط نستعلیق نوشته شده که احتمالاً آخرین صفحه از مقدمه نسخه باشد و ادامه نسخه تا آخر با خط نسخ تحریر شده است.

### ۳. کتابخانه وزیر یزد و نسخه خطی لطایف الاسماء

یکی از نسخ خطی که در کتابخانه وزیر یزد نگهداری می‌شود، لطایف الاسماء نام دارد که از طرف حجت‌الاسلام علی محمد وزیر به این کتابخانه اهدا شده است؛ این نسخه بخش اول از یک مجموعه سه قسمتی است و آنطور که از فهرستگان نسخه‌های خطی ایران و

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیرری برمی‌آید، مؤلف آن عبدالجلیل محمد بحرآبادی است. البته در خود نسخه، به علت افتادگی صفحات ابتدایی و انتهایی آن، نامی از مؤلف و کاتب وجود ندارد و در متن هم قرینه‌ای که کاتب یا مؤلف یا نویسنده را مشخص کند به دست نیامد، طبق تحقیقاتی که از منابع و مآخذ و تذکره‌ها، مانند *تذکره الشعراء* دولت‌شاه سمرقندی، *معجم البلدان* یاقوت حموی (۱۳۸۰)، *اثرآفرینان* محمدرضا نصیری (۱۳۸۴)، *گنجینه سخن ذبیح‌الله صفا* (۱۳۶۳)، *سخن و سخنوران* بدیع‌الزمان فروزانفر (۱۳۵۰)، *الذریعه* آقابزرگ تهرانی (۱۳۱۳)، *رجال کتاب حبیب السیر* عبدالحسین نوایی (۱۳۷۹) و... صورت گرفت، هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره مؤلف نسخه به دست نیامد (نک: صفا، ۱۳۶۹؛ فروزانفر، ۱۳۵۰) اما درباره بحرآباد که مؤلف نسخه منسوب به آنجاست، اطلاعات اندکی وجود دارد. در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* درباره جوین مطالبی نقل شده است که مشخص می‌کند بحرآباد از توابع جوین در استان خراسان است: «جوین در طول تاریخ خاستگاه بسیاری از بزرگان بوده است که از آن جمله‌اند: عبدالله بن یوسف جوینی، عبدالملک بن عبدالله جوینی مشهور به امام الحرمین، شیخ سعدالدین حموی که مرید و خلیفه شیخ نجم‌الدین کبری بود و در زادگاه خود، بحرآباد جوین، خانقاهی داشت و در آن به ارشاد پیروان خود و اشاعه طریقت کبرویه می‌پرداخت. شیخ سعدالدین در ۶۴۹ق درگذشت و در بحرآباد مدفون شد. پس از درگذشت او بحرآباد تا مدت زمانی به عنوان پایگاه حمویان کبروی اهمیت خود را حفظ کرد» (همدانی، ۱۳۶۷: ج ۱۸، ۷۶۶).

معین‌الدین اسفزاری در روضه پنجم کتاب *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، درباره بعضی ولایات که از هرات دورتر است اما از توابع هرات است، چنین می‌نویسد: «دیگر بحرآباد ولایتی نزه و خطه حرم است و انواع اثمار و فواکه خوب آنجا حاصل است، خاصه انگور. و در آن ولایت مزارات بزرگ و بقاع متبرکه است از جمله مزار شیخ سعدالدین حموی و شیخ رضی‌الدین علی لالا غزنوی قدس سرهما که از اکابر اولیا بوده‌اند،

آنجاست» (اسفزاری، ۱۹۶۱: ۲۰۳).

درباره محمد بحرآبادی، در کتب مختلفی چون *اثرآفرینان*، *تاریخ ادبیات در ایران* و... مطلبی ذکر نشده و نامی به میان نیامده است (نک: نصیری، ۱۳۸۴؛ صفا، ۱۳۶۳) اما در *مقامات جامی عبدالواسع نظامی باخرزی*، از یک محمد بحرآبادی سخن به میان آمده است که به لحاظ زمانی، با نویسنده نسخه *لطایف الاسماء* تطابق دارد (هر دو در قرن دهم) اما قرینه دیگری که ثابت کند این بحرآبادی همان مؤلف نسخه است یا برعکس، وجود ندارد. در *مقامات جامی* آمده است: «دانشمند پرمایه که من المبدأ الی الغایة خود را در سلک تلامذۀ خاص آن حضرت می‌داشت با جمعی دیگر از اهالی موالی مشهور در شهر جامع هرات به حکم "وَالَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ" تلاش منزلت مدرسه سلطانیه شاهرخیه می‌نمودند و فرمان همایون در مضمار کشف اسرار علوم به امتحان جماعت مذکور معلوم سمت نفاذ یافت» (نظامی باخرزی، ۱۳۷۰: ۶۹).

در *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد* (شیروانی، ۱۳۵۸) و *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران* (درایتی، ۱۳۹۰) درباره این نسخه آمده است:

«لطایف الاسماء / شعر، ادبیات / فارسی

بحرآبادی، عبدالجلیل محمد

یزد؛ وزیری؛ شماره نسخه: ۷۲۲/۱

آغاز: بنقصان خویش ... هست امیدم که هنرپروران \*\* خرده نجویند زبزرگی بر آن / ان

هذا الشروع فی المقصود \*\* مستعینا بواسع المعبود؛ الخ؛

انجام: آن مملکت را \*\* سیور غال ملک اعظم مشارالیه دانسته و او را

خط: نسخ و نستعلیق، بی‌ک، تا: قرن ۱۰؛ افتادگی: آغاز و انجام؛ هدایی: وزیری؛ کاغذ:

اصفهان، جلد: مقوایی، ۸۴ گ، ۲۳ سطر، (۱۷×۱۰)، اندازه: ۱۶×۲۴ سم [ف: ۶۱۰-۲] (نک:

درایتی، ۱۳۹۰: ج ۲۷، ۳۲۶؛ حسینی، ۱۳۶۴).

۴. اهمیت نسخه خطی *لطایف الاسماء*



نسخه خطی *لطایف الاسماء* از نظر ادبی، تاریخی، اجتماعی و... نسخه‌ای منحصر به فرد و مهم است. برخی از دلایل اهمیت نسخه عبارت‌اند از:

۴-۱. از لحاظ ادبی: این کتاب نمونه انشای فارسی در قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری است و نمونه‌ای از نثر مسجع و منشیانه بی نظیر آن دوره به شمار می‌آید.

۴-۲. از لحاظ تاریخی: *لطایف الاسماء* بیانگر برخی رویدادهای تاریخی دوران تیموری است. همچنین حاوی اطلاعاتی دربارهٔ اماکن و حرف و همچنین فرهنگ آن دوران است.

۴-۳. از لحاظ ساختاری: *لطایف الاسماء* با توجه به تقسیمات ساختاری دربردارندهٔ خطب، فرامین، احکام، نشان‌ها، مکتوبات و... است.

۴-۴. وجود اشعار، احادیث و روایات و آیات قرآن در سراسر متن *لطایف الاسماء*. به کار بردن آیات و احادیث از ویژگی‌های *لطایف الاسماء* است و کاربرد آن‌ها در متن به گونه‌ای است که اگر حذف شوند، جملات و معانی متن دچار نقصان و کاستی می‌شوند.

۴-۵. استفاده از صنایع بدیعی لفظی و معنوی از قبیل جناس، سجع، تشبیه، استعاره و...

## ۵. نثر *لطایف الاسماء*

*لطایف الاسماء* مجموعه‌ای از خطب و فرامین است که سبک آن نثر منشیانه و مترسلانهٔ دورهٔ تیموری است.

«ترسل اصطلاحی برای نامه‌نگاری در قدیم است. دانشی که از اصول نامه‌نگاری و مراعات قواعد به مقتضای حال نویسنده و مخاطب بحث می‌کند. ترسلات و انواع نامه‌ها در ایران پیش از اسلام جایگاه داشتند و پس از اسلام نیز آثار آن دیده می‌شود. از مهم‌ترین کتاب‌های ترسل فارسی می‌توان به *عتبة الکتبه منتجب الدین بدیع جوینی و التوسل الی الترسل بدرالدین رومی* اشاره کرد» (فانی و سادات، ۱۳۸۹: ۸۱۲).

«ترسل یا نامه‌نگاری از قدیمی‌ترین متون نگارش است که هم به نثر و هم به نظم و گاه

در آمیخته‌ای از نظم و نثر در تاریخ فارسی دیده می‌شود. ارباب لغت در معنای ترسل گفته‌اند: نوشتن نامه و رساله است و آگاهی از روش‌های دیوانی. منشآت نیز در همین حوزه معنایی قرار دارد و به معنای مکاتیب، رسائل و نامه‌هاست. جمع منشآت از ریشه انشا به معنی نویسندگی و سخن‌پردازی است. در اصطلاح دیوانی، آنچه منشیان در قالب پیش‌نویس‌ها و دستور کارها می‌نگاشتند» (انوشه، ۱۳۷۶: ذیل رسل).

«از میان آثار متعدد در زمینه ترسل و انشا در دوران تیموری و صفوی می‌توان به منشآت معین‌الدین محمد زمچی اسفزاری، جوامع الانشاء حسین هروی، منشأ الانشاء عبدالواسع نظامی باخرزی، منشآت بیانی شهاب‌الدین عبدالله کرمانی، منشآت رقعات امیرعلیشیر نوایی و نامه نامی خواندمیر اشاره کرد» (نوایی، ۱۳۷۹: ۲۷).

«نویسندگان این دوره گاه در مقدمات کتب و خطب و فواتح فصول تشبیه‌هایی به سبک قدیم می‌نویسند که از حیث سجع قدری شباهت قدیم دارد ولی از حیث جزالت و انسجام و سایر استادی‌ها در مرتبه دون قرار دارد. لغات عربی بسیار کمتر از قدیم و شعر عربی و استدلالات و تمثیل و مثل به ندرت در آن دیده می‌شود. متن کتاب ساده و گاهی دارای رکاکت و سستی است. و نیز خیز تازه‌ای که در این عصر می‌بینیم القاب و عناوین و پرچانگی‌هایی است که مؤلفین اخیر دوره تیموری در اوایل کتب یا در تشبیه فصول درباره ممدوح معمول می‌دارند که گاهی دو سه صفحه را باید عبور کرد و از تپه و ماهور مدیحه‌ها و موازنه‌ها و مزدوجات و اسجاع و القاب یاوه و بی‌اصل باید گذاشت تا به زحمت، نام کسی را که مقصود نویسنده است و کتاب به نام اوست به دست آورد. دیگر آوردن لغات و ترکیبات تازی و تُرک و تُرک کردن الفاظ فارسی که همان معنی را داشته است، از مختصات این زمان است که تا زمان ما باقی مانده بود» (بهار، ۱۳۳۷: ۲۰۸).

«از حیث صرف و نحو نیز نثر بسیار تنزل کرده است. فعل‌های وصفی که قبلاً دیدیم که گاه‌به‌گاه در محل معین و ضابطه و آیین خاص به کار می‌رفت، در این ادوار به تکرار و پی

در پی، چه به حال وصفی و چه به حال خبری؛ یعنی به صیغه ماضی نقلی یا بعید با حذف فعل معین استعمال می‌شود که هنوز هم در کار است و حذف افعال بدون قرینه که در قدیم به ندرت می‌دیدیم آن‌هم در مواقعی خاص و با قراین معنوی و در این دوره شدت یافته است. و مطابقه صفت و موصوف بر طبق دستور عربی که متقدمان جز در مواقع خاص جایز نمی‌شمردند، عمومیت پیدا می‌کند» (همان‌جا).

«درباره شیوه نگارش مکاتیب دیوانی و مناشیر عهد تیموری، باید گفت به همان سبک نامه‌نگاری دوره مغول است؛ به عبارت دیگر، شیوه نگارش مکاتیب دیوانی و مناشیر عهد تیموری، دنباله همان سبک نامه‌نگاری دوره مغول، یعنی رعایت ساده‌نویسی و ایجاز و اختصار و پرهیز عبارت‌پردازی‌ها و لفاظی‌های بی‌مورد و ایراد القاب و عناوین و نعوت مرکب که در مکتوبات قرن ششم معمول بود. با این حال برخی از منشیان این دوره به سنت‌های دیرین ترسل پایبند بوده‌اند و تا حدودی در مکاتیب خود به ایراد تکلفات همچون سجع و موازنه و قرینه‌سازی اقدام می‌کردند و آوردن لغات دشوار عربی و ترکیبات تازی و اقتباس از اخبار و آیات و شواهد و امثله عربی و درج و تضمین اشعار همانند گذشته در نامه‌های آنان رعایت می‌شد. این شیوه بیشتر در اواخر دوره تیموری و بعد از شاهرخ گرفت و باید گفت تاریخ *ظفرنامه* تیموری تألیف شرف‌الدین علی یزدی در سبک مکاتیب اواخر این دوره، مخصوصاً در عهد صفویه، اثری عمیق داشته است و منشیان و مترسلان این دوره بیشتر مضامین ادبی و آرایش الفاظ را از مندرجات کتاب مذکور اقتباس می‌کردند» (ثابتیان، ۱۳۴۳: ۴۱).

«در برخی نامه‌های دوره تیموری حد متوسط بین نثر فنی و نثر ساده رعایت شده است اما در آن‌ها نیز استشهاد آیات و احادیث و عبارات و امثال عربی معمول است و در بین آن نامه‌ها مکاتیب فصیح و بلیغ نیز که دارای متانت و صراحت و انسجام کلام است، دیده می‌شود که از جمله آن مکاتیب، نامه‌هایی است که امیرعلی کیا به امیر تیمور نوشته است.

بسیاری مکاتیب این دوره به شیوهٔ مرسل و ساده و نسبتاً عاری از تکلفات لفظی و با رعایت اختصار و ایجاز نگارش یافته است و استعمال کلمه‌های عربی که در میان منشیان جاری و متداول بوده به تدریج تخفیف یافته اما به کار بردن ترکیبات عربی گذشته همچنان معمول است. شیوهٔ اخیر در مراسلات عهد تیموری غالب است» (شمیسا، ۱۳۸۰: ج ۳، ۱۹۹).

برخی از ویژگی‌های منشآت دورهٔ تیموری به اختصار عبارت‌اند از:

الف. ایجاز و اختصار

این شیوه از نیمهٔ دوم قرن هفتم به دلیل عدم رغبت مغولان به عبارت‌پردازی شروع شد و در عصر تیموری نیز ادامه یافت.

ب. استعمال افعال به صیغهٔ وصفی

آوردن فعل به صورت صفت معفولی (بن ماضی + ه).

ج. استعمال لغات دشوار و دور از ذهن عربی به تدریج در این دوره تخفیف می‌یابد و رها می‌شود که این طریقه با نگارش گلستان سعدی رواج می‌یابد و ملایم طبع کاتبان واقع می‌شود و در زمان حکومت تیموریان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

د. کاربرد برخی ترکیب‌های عربی مانند: من کل الوجوه. یوما فیوما. کرة بعد اخری. و... که از آثار قدیم باقی مانده است.

ه. تحلیل و تضمین اشعار و مصراع‌ها و الحاق آن‌ها برای تکمیل و تأیید مطلب و مضمون نامه مورد توجه منشیان این دوره است و شواهد شعری معمولاً از اشعار سست و بی‌مایه است که اغلب، خود منشیان یا امیرزادگان از آن‌ها استفاده می‌کنند و استشهاد از ابیات نغز و مطبوع و معروف قدیم کمتر دیده می‌شود.

و. مطابقت صفت با موصوف.

ز. «عدم جزالت با رکاکت الفاظ و عدم توجه به آهنگ کلمات و جمله‌ها و از یاد رفتن

کاربرد پیشوندهای گوناگون مانند فرا، فرو، همی، و... بر سر افعال» (صفا، ۱۳۶۹: ج ۳، ۱۵۹۴).

۶. ویژگی‌های مهم رسم‌الخطی نسخهٔ لطایف الاسماء

برخی از ویژگی‌های مهم رسم الخطی نسخه لطایف الاسماء بدین شرح است:

۱. چسبیدن حرف اضافه «به» به اسم پس از آن؛ مانند: بقدر (ص ۱۰، سطر ۳)، بعلاقه (ص ۱۲، سطر ۱۵)، بتقلید (ص ۱۳، سطر ۱۰).
۲. متصل نوشتن بعضی کلمات؛ مانند: یکلحظه (ص ۲، سطر ۲۰)، رقمزده (ص ۳، سطر ۷).
۳. حذف الف فعل است در بیشتر موارد؛ مانند: سعاداتست (ص ۵۱، سطر ۱۴)، جانانست (ص ۴۸، خط ۶).
۴. متصل نوشتن صفات مرکب؛ مانند: عالیمقدار (ص ۷۵، سطر ۱۴)، رفیعمقدار (ص ۴۶، سطر ۱).
۵. بدون سرکش نوشتن حرف آ در کلمه آن (گاهی).
۶. چسبیدن پیشوند بی صفت‌ساز به کلمه پس از خود؛ مانند: بیمقدار (ص ۱۰، سطر ۹)، بینصیب (ص ۵۸، سطر ۲۲).
۷. حذف الف اسم اشاره این و آن پس از حروف در و بر؛ مانند: دران (درین) (ص ۸۵، سطر ۱۲).
۸. چسبیدن می استمراری در بیشتر موارد به فعل؛ مانند: مینمایند (ص ۳۱، سطر ۱۵)، میگذشت (ص ۳۳، سطر ۲).
۹. ذکر نکردن تشدید کلمات مشدد؛ مانند: مزین (ص ۷۲، سطر ۷)، همت (ص ۱۱، سطر ۸).
۱۰. املائی برخی کلمات به شیوه‌ای که امروز غلط املائی به حساب می‌آید؛ مانند: کارگذار (ص ۹۲، سطر ۱۶).
۱۱. قرار دادن سه نقطه زیر حرف «س» در بعضی کلمات (نک: ص ۱، سطر ۷ و ۲۰).
۱۲. آوردن ه به جای ای در بعضی موارد؛ مانند: رساله به جای رساله‌ای (ص ۳، سطر ۱۵) خطبه به جای خطبه‌ای (ص ۱۲، سطر ۱۳).
۱۳. جاافتادن نقطه از کلمات؛ مانند: نظم (نظم) (ص ۱۰۸، سطر ۱۰)، هبج (هیچ)

(ص ۱۰۴، سطر ۱۳).

۱۴. نوشتن حرف گ بدون سرکش؛ مانند: نکار (نگار) (ص ۴۸، سطر ۱۰)، روزگار (روزگار) (ص ۹۴، سطر ۸).

۱۵. بدون نقطه نوشتن حرف ژ؛ مانده: رنده به جای ژنده (ص ۱۲۵، سطر ۹).  
در کل املائی کلمات در متن یکدست نیست و یک کلمه در جایی از متن با جای دیگر متفاوت نوشته شده است؛ به خصوص هرچه به سمت اواخر نسخه پیش می‌رویم، دقت در نوشتن و املائی کلمات کمتر شده است.

#### ۷. صنایع بدیعی پر کاربرد در لطایف الاسماء

۱-۷. سجع: بهترین شکاری که شقار فیض آثار عالم قدس در فضای هوای آن پرواز کند و نیکوترین مرغزاری که شاهباز بلندپرواز انس در هوای حریم مسرت و اهتراز آن به قصد اقبال بال گشاید (ص ۲۹، سطر ۲۲).

۲-۷. جناس: مناظر بدیعی را در کنف ظل رفیع مانی مبانی جهانبانی صاعد مصاعد خلافت و کشورستانی صاحب‌قران نصرت‌قرین فرمانفرمای خسرونشان مسندنشین... (ص ۴۵، سطر ۱۸).

جناس تام: نور حدقه اهل بینش و نور حدیقه اصحاب بینش (ص ۲۱، سطر ۱۱).  
جناس اشتقاق: غرض از اشمام آن شمامه که شمه‌ای از آن بمشام جان مستنشقان می‌رسد آنکه... (ص ۸۵، سطر ۶).

جناس ناقص اختلافی: بهترین شکاری که شقار فیض آثار عالم قدس در فضای هوای آن پرواز کند (ص ۲۹، سطر ۲۲).

۳-۷. استعاره: قدرت قاهره و حکمت باهره تو در دور مسلسل این طاق مقوس زنگاری و رواق مقرنس زرنگاری بختم انجامیده... (ص ۴۱، سطر ۱۲).

۴-۷. مترادف: بر خاطر عاطر ارباب عقل و دانش و ضمیر منیر اصحاب نظر و بینش

ظاهر و پیدا و روشن و هویداست که... (ص ۳۰، سطر ۱۰).

۵-۷. تشبیه: بدرخواست او حضرت مخدومی اسب انشا بر بساط خطبه آن جولان داده (ص ۲۴، سطر ۱).

هنگام شجاعت چون شیر ژیان همه دل، و زمان سخاوت چون ابر نیشان همه وابل (ص ۲۴، سطر ۱۶).

۶-۷. تکرار: بر اوقاف مذکور به هیچ موضع از هیچ باب در هیچ وقت به جهت هیچ کس حوالتی ننماید (ص ۱۵۳، سطر ۲۲).

## ۸. ویژگی‌های زبانی نسخه

برخی از ویژگی‌های زبانی نسخه خطی لطایف الاسماء عبارت‌اند از:

۱-۸. وجود برخی لغات ترکی مغولی مانند: سیورغال. ایلخان. داروغه. بهادر. الاغ. ایلچی. ساوری. سونجی

در فرهنگ لغات ترکی و مغولی در متون فارسی ذیل واژه سیورغال آمده است: «زمینی که پادشاه جهت ارباب استحقاق بخشد» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۸۰). در این فرهنگ، ذیل ساوری نیز آمده است: «هدیه خوراکی که هنگام عبور سلطان از شهر به او تقدیم می‌شود» (همان: ۱۷۳). و تمغاچی نیز چنین معنا شده است: «گمرکچی، مأمور وصول عوارض از مال التجارة» (همان: ۱۱۵).

۲-۸. جمع بستن لغت ترکی داروغه با «ان» فارسی به صورت داروغکان.

۳-۸. وجود برخی لغات عربی که حدوداً بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از لغات متن را شامل می‌شوند.

۴-۸. بعضی از بخش‌های متن کاملاً به زبان عربی است.

۹. سلطان حسین بایقرا و شهر هرات

با توجه به شواهدی که در متن وجود دارد و مکرراً به مدح سلطان حسین بایقرا برمی‌خوریم و ضمن مدح، نویسنده خواستار جاودانه شدن پادشاهی سلطان حسین است، می‌توان نتیجه گرفت که تحریر خطبه‌ها و فرامین و... در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا صورت گرفته و پایتخت او نیز «دارالسلطنه هرات» است که هرگاه نویسنده نام آن را می‌برد، بلافاصله خواستار حفظ آن از دستبرد آفات می‌شود (صینت عن تطرق الافات).

«سلطان حسین بایقرا (۸۷۲-۹۱۱ق) در خراسان گرگان و ماوراءالنهر حکومت کرد و هرات پایتخت او چراغ پرنور مدنیت آن دوره بود. وی مردی ادیب و شاعر بود و در شعر فارسی حسینی تخلص می‌کرد» (طیبی، ۱۳۶۸: ۱۰۱). «شهر هرات در عهد ملوک گورکانیان و به‌خصوص در زمان سلطنت حسین میرزا بایقرا به اوج ترقی و تعالی و عظمت رسیده بود. اغلب پادشاهان کرت و گورکانیان خود از زمرهٔ علما و عرفا و شعرا و ادبا و هنرمندان بوده و به علم و ادب دوستی موصوف بوده‌اند» (همان: ۲۴). «در عهد سلاطین گورکانی، به‌خصوص میرزا شاهرخ، بزرگی و آبادانی شهر هرات چندین برابر ایام سلطنت سلالهٔ کرت گردیده و در زمان سلطان حسین میرزا بایقرا این شهر به اوج عظمت و جلال خود رسیده بوده است. چه در این دوران طلایی، هرات لقب دارالسلطنه یافته و پایتخت شاهنشاهی گورکانیان در ایران بزرگ گردیده» (همان: ۱۷).

«دورانی که با پیدایش سلطنت دودمان کرت آغاز و با انقضای ایام سلطنت حسین میرزا گورکانی در هرات پایان می‌یابد، یکی از ادوار طلایی و اعصار مشعشع تاریخ ادبیات زبان پارسی دری به شمار می‌رود. شهر هرات در این روزگار فرخنده، سرچشمهٔ معارف و آداب و منبع فضایل و مکتب هنرهای زیبا و کاروان‌های سخنوران دری بوده و همچون خورشید درخشانی در اواسط کشور پهناور آفتاب تابان اعنی خراسان نور افشانی می‌کرده است» (همان: ۳۲).

«شهر عظیم هرات که به خوشی آب‌وهوا تاق بود و به فراوانی محصول و نعمت و



آبادانی مشهور آفاق، در اثر یورش‌های امیر تیمور گورکان ویران شد. ولی در زمان فرزندش شاهرخ میرزا باز مرمت و آباد گردید و پایتخت تمام ممالک ایران و ترکستان و دیگر کشورهای قلمرو آن پادشاه شد. همچنین در دوره بازماندگان تیمور مخصوصاً در عصر سلطان حسین میرزا بایقرا، بر منتهای عظمت و آبادانی رسید» (اسفزاری، ۱۳۳۹: «یب»). «از جمله شهرهایی که پس از مغول‌زدگی خراسان به دست تیمورزادگان احیا و عمران شد و به لحاظ غنای فرهنگی و رونق یافتن امور زندگی مادی، تجدید حیات کرد، هرات بود که در اواخر سده هشتم و تمامی قرن نهم هجری، مرکز فرهنگی بازرگانی و سیاسی خراسان به شمار می‌رفت» (نظامی باخرزی، ۱۳۷۱: ۳).

«آنچه درباره سلطنت حسین بایقرا در خراسان اهمیت دارد، بیشتر مسائل فرهنگی است تا سیاسی. در ایام سلطنت وی شرایطی برای صلح و آرامش نسبی در خراسان فراهم شد و ولایت مزبور به مرکزیت شهر هرات به رشد و بالندگی رسید» (فراهانی منفرد، ۱۳۸۳: ۱۵۶). «تردیدی نیست که یکی از اسباب عمده پیشرفت ادبیات در این دوره، اقبال تام و توجه خاصی است که پادشاهان و شاهزادگان تیموری که در نواحی مختلف سرزمین‌های فارسی‌زبان پادشاهی یا حکمرانی داشته‌اند، نسبت به ادب ایران نشان داده‌اند» (نفیسی، ۱۳۴۵: ج ۱، ۲۳۱).

#### ۱۰. نتیجه‌گیری

نسخه خطی *لطایف الاسماء* تألیف عبدالجلیل محمد بحرآبادی، در قرن دهم نوشته شده است. پس از تصحیح دقیق این نسخه، مشخص شد این اثر گران‌بها در قسمت‌های مهمی از قبیل مطلع، مصرع اول، مصرع دوم، فقره اولی، ترکیب اول، کلمه اولی، کلمه ثانیه، کلمه ثالثه، کلمه رابعه، کلمه خامسه، ترکیب دوم و کلمه اولی نگاشته شده است. این نسخه ارزشمند مشتمل بر خطب، مکتوبات، امضا، نشان، احکام، فرامین و مسائل

متفرقه است که عمده مطالب نسخه در قرن نهم هجری نگاشته شده است. این اثر، جزء آثار نثر مسجع و منشیانه دوره تیموری محسوب می‌شود و در آن از آیات قرآن کریم و احادیث معصومین، و همین طور اشعار مؤلف و سایر شاعران بسیار استفاده شده است. دیگر ویژگی نسخه این است که بخش قابل توجهی از آن به زبان عربی نگاشته شده است. این نسخه که در ۸۹ برگ و ۲۳ سطر در قطع وزیری و با خط نسخ تحریر شده است، در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می‌شود و فایل دیجیتالی آن نیز در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

### منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات پیام آزادی.
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۱۳)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، نجف: مطبعة الغری.
۳. اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح سید محمد کاظم امام، تهران: انتشارات علم دانشگاه تهران.
۴. امینی، محمد حسین (۱۳۹۲)، *راهنمای نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی*، ج ۳۱-۴۰، قم: چاپ خیام قم.
۵. انوشه، حسن (۱۳۷۶)، *دانشنامه ادب فارسی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. بحرآبادی، عبدالجلیل محمد، *نسخه خطی لطایف الاسماء*، به شماره ۷۲۲/۱، محفوظ در کتابخانه وزیری یزد.
۷. بهار، محمد تقی (۱۳۳۷)، *سبک‌شناسی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.
۸. ثابتیان، ذبیح‌الله (۱۳۴۳)، *اسناد و نامه‌های تاریخی دوره صفویه*، تهران: انتشارات

کتابخانه ابن سینا.

۹. جهانبخش، جویا (۱۳۷۸)، راهنمای تصحیح متون، تهران: انتشارات میراث مکتوب.
۱۰. حسینی، احمد (۱۳۶۴)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۱. خطیبی، حسین (۱۳۹۰)، فن نثر در ادب پارسی، تهران: انتشارات زوار.
۱۲. همدانی، علی‌کرم (۱۳۶۷)، «جوین» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۳. درایتی، مصطفی (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۴. دولت‌آبادی، عزیز (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۱۵. فانی، کامران و محمدعلی سادات (۱۳۸۹)، دانشنامه دانش‌گستر، جلد ۵، تهران: مؤسسه علمی فرهنگی دانش‌گستر.
۱۶. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴)، آشنایی با نقد ادبی، تهران: انتشارات سخن.
۱۷. شمیسا، سیروس (۱۳۸۰)، سبک‌شناسی نثر، تهران: انتشارات فردوس.
۱۸. شیروانی، محمد (۱۳۵۸)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد وابسته به آستان قدس رضوی، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۹. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، گنجینه سخن، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. — (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوس.
۲۱. طبیبی، عبدالحکیم (۱۳۶۸)، تاریخ مختصر هرات در عصر تیموریان، تهران: انتشارات هیرمند.
۲۲. فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۳)، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و

ظهور صفویان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۲۳. فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۵۰)، سخن و سخنوران، تهران: انتشارات خوارزمی.

۲۴. مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۸۹)، نسخه‌شناسی، قم: انتشارات صحیفه فرد.

۲۵. نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴)، اثر آفرینان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۲۶. نظامی باخرزی، عبدالواسع (۱۳۷۰)، مقامات جامی، تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی، تهران: نشر نی.

۲۷. نفیسی، سعید (۱۳۴۵)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران: کتابفروشی فروغی.

۲۸. نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۹)، رجال کتاب حبیب السیر، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۲۹. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.